

ادبیات دیروز، پشوانه

سویه و چند رویه و پشوانه و دستاورد ادبی و فرهنگی
از نیروی جاودانه و فراسوی نیز برخوردار شمرده شده است.

پنجاکیان (کلیله و دمنه) مؤلف: ویشنو شرما
مترجم: مصطفی خالقداد هاشمی عباسی
تحقیق و تصحیح و توضیح و مقدمه: دکتر
جلالی نایینی، دکتر عابدی، دکتر تاراچند
انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۳

قرنها پیش از این، ویشنو شرما، برهمنی
فرزانه و پیری وارسته و دنیا دیده، پذیرای
آموزش سه شاهزاده جوان هندی بی بهره از
دانش و کاهل در کسب کمال می گردد، تا
در مهلتی کوتاه راه و رسم زندگی و آیین
کشورداری و دانش زمان را به آنان بیاموزد
و نگرانی امرشکتی (پادشاه ولایتی هند) را
از جانب فرزندانش بر طرف سازد. ویشنو
شرمانه تنها نسبت به اوضاع و محیط
اجتماعی و فرهنگ و ادب ملت هند آشنایی
کامل داشته و با دیدی عمیق و فلسفی نسبت
به مسائل پیرامون خود نگاه می کرده، اساساً
به دنیایی فراتر و والاتر از آنچه دیگران
می دیدند و می پنداشتند نظر می انداخت. از
این رو، برای آموزش فرزندان شاه،
داستانهایی آموزنده می گوید و می نویسد که
در آن نکات سودمند اخلاقی و اجتماعی و
سیاسی مطرح شده که از فرهنگ غنی هند
مایه گرفته است. این داستانها در یک کتاب
و پنج باب گرد آمده است که آن را پنج
تتره یا پنجاتترا نام نهاده اند.

پنج تتره داستانهایی کوتاه و دلنشین
دارد که با پیوندی ظریف در پی یکدیگر آمده
و حلقه اصلی یا داستان بلند کتاب را
تشکیل داده اند. در واقع، یک داستان بلند
دارای تعدادی داستان کوتاه تو در توست
که همه این داستانهای کوتاه درباره موضوع
اصلی هستند.

از صدها سال پیش، این داستانها برای
نسلهای آینده به یادگار مانده اند و
پژوهشگران بسیاری آنها را بررسی و
روایتهای متفاوت متن اصلی را تهیه
کرده اند.

پنج تتره دست کم دارای هشت
روایت یا متن یا مکتب معتبر است که از این

میان، روایت تتره کھیایکا اقدم شناخته شده
و بیشتر در کشمیر معروف بوده است. از
کشمیر به عنوان زادگاه ادبیات تمثیلی هند
نام می برند.

راهبان مذهب «جین» متنهایی از این
کتاب را فراهم کرده اند که در آنها از واژه
«اکھیان» و یا «اکھیانه» به معنی داستان
کوتاه، به جای «تتره» استفاده شده است.
منشاء کتاب حاضر نیز یکی از چند قرائت
موجود پنج تتره، وابسته به شاخه ای از متی
موسوم به پنجاکھیان است.

پنجاکیان تنها ترجمه مستقیم از یک متن
سانسکریت است. کتاب پنج تتره یا پنج
کھیانه که در ایران به نام کرتک و دمنک یا
کلیله و دمنه شهرت دارد.

این کتاب هر چند ظاهراً برای آموزش
شاهزادگان هندی نوشته شده است، اما به
خوبی پیداست که هدف و منظور نهایی
نویسنده، رهنمون و تهذیب اخلاقی همه
مردم در طبقه ها و قشرهای مختلف
اجتماعی بوده است تا به سعادت و مقامی
معنوی و کمال مطلوب برسند. از این رو
داستانهای ویشنوشرمانه تنها برای آگاهی
بیشتر مردم و سلامت اخلاقی مردم زمان
خود سودمند بوده است، بلکه برای نسلهای
آینده نیز جنبه های آموزنده دارد.

در این داستانها به نقش سازنده و
پویایی که انسان می تواند در حیات
اجتماعی خویش داشته باشد، توجه خاص
شده است؛ و این در حالی است که
ویشنوشرما اساساً دایره تقدیر را حاکم بر
سرنوشت انسان می دانسته است. بدین گونه
از محتوای داستانها چنین برداشت می شود
که نویسنده با اعتقاد به نقش اساسی و تعیین
کننده تقدیر، هر گونه تعالی انسان را نیز
وابسته به تلاش وی در نظر داشته است و
باور تقدیر بدان معنی نیست که انسان از
حرکت سازنده خویش باز داشته شود. و
چنین است که در قالب داستانهایی تمثیلی
که افراد و شخصیتهای آن را اکثراً حیوانها

تشکیل می دهند (و در صحنه هایی
شگفت آور و تخیلی با یکدیگر رو به رو
می شوند - گاه به گونه ای ضمنی و گاه
مستقیم و حتی گاهی به صورت حکمی
قاطعانه) نظرات سازنده اخلاقی و اجتماعی
خویش را از دیدگاه فلسفی بیان می کند و به
ترمیم و اصلاح نارسایها می پردازد.

در این داستانهای کوتاه و سرگرم
کننده، کج رفتاریها و نابهنجاریها و هر آنچه
برای سعادت و سلامت مردم و روابط
اجتماعی زیان آور به نظر می رسد، مورد
انتقاد و نکوهش قرار گرفته و نکته های
سودمند - با توجه به اوضاع و شرایط
اجتماعی آن زمان - در قالب شخصیتهای
مطلوب ساخته و پرداخته شده است، تا با
رو در رو قرار گرفتن نمونه های منفی و
مثبت، انسان نسبت به موضوعها و نکته های
مبهم و ناشناخته پیرامون خود، دانش و
آگاهی و هوشیاری کافی به دست آورد و
خوب و بد زندگی را بهتر بشناسد.

به روشنی پیداست که پنج تتره تنها
برای سرگرمی سه شاهزاده هندی نوشته
نشده است، بلکه نویسنده بر آن بوده تا با
نمایان ساختن اندیشه ها و رفتارهای ناپسند
(در زمینه های مختلف) و ارائه راههای
درمان و بهبود، رشد اندیشه ها را در راه
رسیدن به قله تکامل معنوی و سعادت دنیایی
و اخروی هموار سازد؛ و برای آنکه تأثیر
پندها و رهنمونهایش افزونتر گردد، آنها را
در داستانهای مردم پسند جای داده است.

شخصیتها و افراد این قصه ها، داستانها
و یا حکایتها را اکثراً حیوانهایی چون
شغال، شیر، گاو، خرگوش، شتر، فیل،
گنجشک، مرغ، ماهی، مار، میمون، زاغ و
حتی حشرات شامل می شود که از نظر شکل
ظاهری توصیف نشده اند، اما با حفظ
ویژگیهای ساختمان وجودیشان، دارای توان
و نیروی انسانی در اندیشه و گفتار و رفتار
هستند. اساساً در این گونه ادبیات داستانی،
محول کردن نقش انسان به حیوان، از ارکان



ادبیات امروز

معرفی تفصیلی کتاب

زهرا مهدب

تنتره، حتی به دوران «وداها» باز می‌گردد؛ و چنین به نظر می‌رسد که ویشنو شرمنا از منابع و مآخذ گوناگونی بهره‌مند بوده است: «براهمانا»، «پرانها»، «شاسترها»، «اوپانیساده‌ها» و «مهابهاراتا».

ویشنو شرمنا یک برهمن، مربی و معلم هندوست که مبتنی بر فلسفه خود، مردم را پند و هشدار می‌دهد و در این کتاب، به ویژه طبقه حاکم و زنان مورد انتقاد و نکوهش قرار گرفته‌اند، و بسیاری از قصه‌ها بر همین منوال است.

در این داستانهای ذهنی و تخیلی اما مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی، برانگیختن حس کنجکاوی و شوق در خواننده یا شنونده، برای دریافت کاملتر پیام و نتیجه، به خوبی پیداست. و نیز دویستی یا اشلوکهایی با محتوایی آموزنده آورده شده است که حدوداً یک چهارم محتوای کتاب را شامل می‌شود. این اشلوکها در کتاب پنجاکیهانه به گونه‌ای مشخص تفکیک شده‌اند که نمونه‌هایی از آنها را در اینجا می‌آوریم:

۱. همچنانکه از یک دست آواز برنیاید، بخت نیز بی‌تدبیر یآوری نکند.
۲. کسی که شوق و جد در کارها دارد و کاهل نیست و روش کار را می‌داند و چالاک است، او را همه چیز میسر است.
۳. دانا را اگر جان به لب رسیده بود، به خوردن حرام رغبت ننماید، خاصه که به غایت کم باشد و موجب بدناسی در این جهان و باعث محرومی از درجه در آن جهان گردد.
۴. جایی که راست را از چپ فرق نکنند، مرد دانا یک لمحّه آنجا به سر نتواند برد.
۵. اگر علم بخوانند و معنی آن بدانند و کاری برای خود ن سازند، همانا که رنج بیهوده در دانستن برده باشند.
۶. هر که قدر هنر و فضل نداند، هنرمند خردپرور، به خدمت او نپردازد، زیرا

در زمان بهرامشاه غزنوی و به امر وی، نصرالله منشی آن را از روی ترجمه متن پهلوی برزویه به نثر پخته و روان فارسی برگرداند که به کلیله و دمنه بهرامشاهی شهرت یافت.

دکتر ایندوشیکور (استاد هندی دانشگاه تهران) نیز از روی متن اصلی سانسکریت، آن را به انگلیسی ترجمه کرد که به همت و همیاری استادان سرشناس ایران، به فارسی ترجمه و چاپ گردید.

در سال ۱۳۵۲ ترجمه فارسی پنجا تنترا که در قرن یازدهم، در زمان اکبر شاه گورگانی و به فرمان وی و توسط مصطفی خالقداد هاشمی عباسی که از سرشناسان ادب هنر به شمار می‌آمد انجام گرفته بود، با تلاش و بررسی مجدد دکتر تاراچند و امیر حسن عابدی به چاپ رسید و ده سال بعد، به همت دکتر جلالی نائینی، با توجه به نسخه اصلی، و با تصحیح و توضیح به نام پنجاکیهانه مجدداً به چاپ رسید.

پنج تنتره یا پنجا تنترا، نه تنها به پهلوی و سریانی و تبتی و عربی و فارسی و انگلیسی و...، بلکه به بیش از هفتاد زبان آسیایی و اروپایی و گویش محلی هند ترجمه شده و در حدود ۲۵۰ نوع ترجمه از آن در کتابخانه‌های جهان موجود است.

همان گونه که از نام کتاب نیز پیداست، در آغاز دارای پنج موضوع یا فصل یا باب و یا تنتره بوده است و چنین به نظر می‌آید که برزویه طبیب به هنگام برگرداندن و تألیف آن به پهلوی، در تقسیمات کتاب تغییراتی داده و احیاناً قسمتهایی را جا به جا و یا حذف کرده است، و این در حالی است که بابهایی تازه را به آن افزوده است که نهایتاً مجموعه‌ای از ادبیات داستانی هند و ایران را در پانزده باب تشکیل داده است که ده باب آن در باره هندیان و پنج باب آن ویژه ادبیات ایرانیان است.

ریشه برخی از داستانهای هندی پنج

اصلی داستان است، آن چنان که در ادبیات ملتهای دیگر نیز به خوبی پیداست و قابلیت‌هایی از اینگونه نیز وجود دارند.

به هر حال این کتاب با درونمایه‌ای مبتنی بر آموزش اخلاقی و اجتماعی و سیاسی، و داشتن صحنه‌هایی شگفت‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی، و نیز شخصیت‌های حیوانی و انسانی، با جنبه قوی تخیلی و ارائه پند و اندرز سرگرم‌کننده، قدیمیترین گونه ادبیات تمثیلی هند به شمار می‌آید که با افزودن بابهایی تازه به آن توسط نخستین مترجم آن (برزویه طبیب) در واقع میراث مشترک فرهنگ و ادبیات ایران و هند به شمار می‌آید که بسیاری از ملتهای دیگر نیز از آن بهره‌مند گردیده‌اند و به زبانهای گوناگون ترجمه شده است.

پنج تنتره در اصل به زبان سانسکریت نوشته شده است و از آن چندین متن یا قرائت وجود دارد که قدیمیترین آنها، پنجاکیهانه است، و منشاء کتاب پنجاکیهانه یا پنج داستان نیز یکی از چند قرائت موجود پنج تنتره است.

تاریخ تألیف متن اصلی را برخی از محققین قبل از میلاد و بعضی پس از آن دانسته‌اند، ولی با توجه به اینکه پنج تنتره را برزویه طبیب (وزیر دانشمند خسرو انوشیروان ساسانی) در قرن ششم میلادی از هند به ایران آورد، محققین دست کم از زمان تألیف و شهرت آن در هند، تا هنگام ترجمه به پهلوی، ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال فاصله زمانی را در نظر گرفته‌اند، و تاریخ تألیف آن را حدوداً سده دوم تا سوم میلادی تخمین زده‌اند.

پنج تنتره قرن‌ها را پشت سر گذاشته است و بارها و بارها به زبانهای گوناگون ترجمه شده است. در سده دوم هجری، عبدالله بن مقفع آن را از روی متن پهلوی برزویه طبیب به نثر فصیح و بلیغ عربی برگرداند که این ترجمه مبنای بسیاری از ترجمه‌های دیگر قرار گرفت.



تنها یک بازگویی ساده

نسیم وهابی

سرّیع زمان در تربیت ذهنی و روحی او ایجاد کرده، ناگزیر به شتاب است؛ و این در ابعاد مختلف تجلیات گوناگون دارد.

حال، حوزه دید خود را محدود می‌کنیم به بخشی از شاهنامه فردوسی که از آغاز دوران پادشاهی کیکاوس تا میانه سلطنت کیخسرو را دربرمی‌گیرد.

پادشاهی صد و پنجاه ساله کیکاوس، لشکرکشی‌اش به مازندران، طلب یاری از دستم، قضیه دستم و هفت خوان معروفش در راه رفتن به سوی پادشاه، بازآوردن کدوس پیروز و آغاز روایت غم‌نامه سهراب، و از پس آن داستان سیاوش و خون ریختن وی به دست دشمن، پادشاهی کیخسرو، قصه مرگ فرود، (فرزند سیاوش)، به دست دوست، و تلاش کیخسرو برای برپایی حکومتی عادل و صلحجو و دلسوز مردم.

محمود کیانوش اینهمه را در از کیکاوس تا کیخسرو با وفاداری تام به وقایع اصل اثر و ایجازی قوام یافته به نثر، باز نگاشته است. تلخیص وقایع و روایت چکیده حکایات و قصه‌ها، با ارج نهادن بر تلاش فردوسی در گزینش کلمات فارسی و رعایت اکثر مبانی نگارشی خاص سبک نثر آن دوره (اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری) صورت پذیرفته است. «در شاهنامه هر جا مبنای نقل فردوسی از نثر به نظم کتب پارسی بوده، اثر لغات عربی در آنها کمتر و هر جا مبنای نقل از کتب ترجمه شده تازی به پارسی بوده است، لغات عربی بیشتر می‌باشد.»

و از آنجایی که داستانهای انتخابی کتاب مبنای نقلی جز ذهن خلاق فردوسی و افسانه‌های پارسیان نداشته است، سیطره کلمات فارسی در بیان این قصه‌ها و پیروی



داستانهای «شاهنامه» از کیکاوس تا کیخسرو بازنوشتۀ محمود کیانوش انتشارات آگاه چاپ اول: زمستان ۷۱

دغدغه وقت، مشغله‌های رنگارنگ ذهن، و کمرنگ شدن چیزی در زندگی به نام اوقات فراغت ما را از روی آوردن به رمانها یا منظومه‌های طولانی دور کرده است. لاجرم به خواندن ادیاتی می‌پردازیم که در زمانی نه چندان دراز ما را بهره‌ور سازد. حال این ادبیات منشور باشد یا منظوم، توفیری ندارد؛ چراکه سبک شعر عصر ما نیز انگیزه و ایجاز و محتوایی فراتر از اشعار خراسانی و عراقی و هندی را می‌طلبد. شعر این نسل، در قالب کنونی‌اش، می‌کوشد رها از سد قافیه و وزن و ردیف از ورطه اطّباب به لزوم ایجاز دست یابد. و انسان امروز، با حرکت و پویایی که گذر

ازو امید نتیجه‌ای نمی‌تواند داشت، مانند شوره‌زار که هرچند در آن بکارند و سعی در رستن نمایند، هیچ نروید.

۷. کسی که در رزم پیشاپیش پادشاهان باشد و در بزم در پس و پشت، و در منزل پیش در، او دایم دوست داشته ایشان باشد.

۸. صاحبی که قدر خدمت بنده‌های خود نشناسد، هرچند دولت بسیار و ملک وسیع و نسب عالی و دستگاه موروثی داشته باشد، خدمت او نتواند کرد.

۹. کسی که دشمن قوی هولناک قصد او کند و او را دل قوی باشد و از جا نرود، او هرگز مغلوب نگردد.

۱۰. کسی که نیک از بد امتیاز نتواند کرد، و از دانش بی‌بهره است، از آن حیوان با گاو فرقی نیست.

و گذشته از این چند نمونه، این کتاب باز هم دارای جنبه‌های سودمند و سرگرم‌کننده است و داستانهای آن نزد عام و خاص شهرت دارد. داستانهایی که در کتاب پنجاکیانه به ترتیب در پنج فصل آورده شده‌اند:

فصل اول: درباره گسیختگی دوستی یا نفاق دوستان

فصل دوم: به دست آوردن دوستان

فصل سوم: بومان و زاغان

فصل چهارم: یافته خود را از دست دادن

فصل پنجم: کردن کار بی‌تأمل و زیان‌زدگی

هر یک از فصلها دارای حکایت‌هایی بی‌درپی و وابسته به هم است و فصلها نیز در پیوند با هم قرار دارند و مجموعه آنها کتاب را تشکیل داده است.

